
از افراط و تفریط بر حذر باشیم

از قدیم در متون کتب و اساطیر شعارهای سیاسی و مذهبی بطرفداری ضعیف و علیه اقویاء و سرمایه‌داران در جوامع بشری مرسوم و رایج بوده - لکن اینک در کشور ما در سایه انقلاب شاه و ملت و اجراء پروژه‌های عقلانی ضعیفی و مستمنندی و بیکاری بآن صورت که در سیر تواریخ دیده شده باقی نمانده و افراد و طبقات ملت ایران بدون استثناء بآن بنیه مالی و کار و درآمد روزانه و ماهانه رسیده‌اند که اطلاق کلمه ضعیف و مستمند و مظلوم و مفلوک بر آنها یک نوع اهانت است - با اینحال هم‌روزه در مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی از عده‌ای بنام ستم‌دیده و فلک‌زده یاد میشود و در مقابل آنها جمعی را ظالم و متمدی و خونخوار و واجب‌القتل قلمداد میکنند و با شعارهای مختلف آنانرا بطرفیت یکدیگر برمی‌انگیزند و از عواقب این گفتار و کردار تحریک‌آمیز بیخبرند.

از مثالهای بارز این عناوین عنوان مالک و مستأجر است که علی‌الرسم اکثراً بطرفداری مستأجر و بر ضرر موجرین مطالبی میگویند و مینویسند - بدون آنکه در این باره قائل بتفصیل شوند و بتجزیه و تحلیل منطقی و اقتصادی مسئله بپردازند. خوشبختانه در لابلای این مطالب گاهی در روزنامه اطلاعات یا از قول سخنگویان دولت اشاره‌ای بمسائل منطقی میشود و افکار عمومی را بسوی یک سیاست منطقی عادلانه که حافظ منافع هر دو طبقه باشد دیده میشود - مثلاً در ذیل سر مقاله روز ۹ بهمن ۵۳ اشاره بیک مطلب اساسی شده و آن اینکه (وقتی بتوان خانه مناسبی اجاره کرد شاید بسیاری از مردم - بدلائل اقتصادی و اجتماعی - نشستن در خانه اجاره‌ای را ترجیح میدهند)

آری امروز چنین شده - اکثر سرمایه‌داران برای حفظ سرمایه خود و بکار

انداختن آن در راه اندوختن منافع بیشتر باچاره نشینی روی آورده‌اند زیرا می‌بینند بدون هیچ حساب و کتاب و مقایسه‌ای موجر بودن جرم شناخته شده و مطبوعات و اداره کنندگان امور نیز به پشتیبانی مستأجرین ایستاده‌اند.

(کدام مالک و کدام مستأجر؟)

بگذریم از يك عده معدود سرمایه‌دار و بخشهای خصوصی (شرکتهای ساختمانی) که در سنوات اخیر واحدهای ساختمانی قابل توجهی احداث کرده‌اند و باید عملیات آنها تحت کنترل شدید عادلانه درآمد بقیه موجرین افرادی هستند کم‌درآمد که قسمتی از خانه و مستغل خود را ناگزیر برای جبران کمبود هزینه زندگی باچاره واگذار کرده‌اند که اگر مقایسه‌ای بین دارائی و درآمد آنها با مستأجرین آنان بعمل آید معلوم میشود ظالم و مظلوم کدامیک میباشد؟ موجرین و مالکین که يك طبقه یاغی و سرکش و مستقل نیستند که احتیاج باینهمه شلاق و تشر و تهدید باشد.

همه مستأجرین هم مردمان منصف و حق‌گزار و معصوم و ملکوتی نیستند که تمام رفتار و گفتار آنها را در بست صحیح و اخلاقی و قانونی تلقی کنیم - نه هر مالکی متعدی و نه هر مستأجری ستم‌دیده است - در اینمورد باید بجدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی مراجعه کرد تا معلوم شود در هر طبقه‌ای افراد خوب و بد وجود دارند و همه را با يك عینک نباید دید - ما میتوانیم با يك مقررات عادلانه منطقی همه طبقات ملت را (بدون آنکه طبقه‌ای را لوس و نتر کنیم) بخوبی اداره نمائیم بدون آنکه کسی بتواند از وظایف خود سرسوزنی تخطی کند. دولت قانونی ما مقتدر است و با قوانین و مقررات عادلانه‌ای که باصطلاح (نه سیخ بسوزد نه کباب) امور را اداره خواهد کرد بنابراین حاجتی بسمپاشی و تحریک و دامن‌زدن باختلافات و دو برهمزنی و ایجاد نقاق و شقاق و تشویق بتمدی و قتل و جنایت نیست.

اگر اولیاء امور میخواهند عده مستأجرین را کم کنند و باصطلاح از تقاضای اجاره بکاهند باید ماده‌ای تصویب کنند که هرکس استطاعت و درآمد کافی دارد و میتواند از وام مسکن استفاده کند یا دارای خانه و محل کسب است حق اجاره - نشینی ندارد و در صورت اثبات این امر بمجازات محکوم شود) و نیز ممکن است دولت مستغلات زائد بر احتیاج مالکین و کسان آنان را مصادره و اجاره‌دادن از طرف افراد را ممنوع و آنرا منحصر و مخصوص خود کند تا مستغل از صورت کالا خارج و این سرطان از اجتماع ما ریشه‌کن شود - اما تحمیل طبقه‌ای بر طبقه دیگر و بر اختلافات آنها نظاره‌کردن و خندیدن دور از سیاست عادلانه و انصاف مملکتداری است.

امروزه ما نیاز شدید بحفظ آرامش و امنیتی که توجه خداوند و سیاست مدبرانه رهبر عالیقدر ما بما ارزانی داشته است داریم. هر روز مالک را ظالم و

شقی و مهدوزالدم و مستاجر را مفلوك و خانه بدوش و زار و زبون معرفی کردن کار يك ملت پیشرفته و فرزانه نیست. آن زمان که در اثر هو و جنگال امثال ناصرخسرو را کافر واجب القتل معرفی می کردند و شعله احساسات طبقات ناس را آن اندازه برمی فروختند که شخصی شبیه باو را بقتل می رسانیدند و کفاش سر گذر برای تیمن نوك درفش خود را با خون او رنگین میکرد گذشته و سپری شده است. امروز باید منطق بر جامعه ما حکومت کند - باید رسیدگی کنیم و قایل بتفصیل و تجزیه شویم - ببینیم منظور از مالك و مستاجر چه کسانی هستند؟ کداميك اهریمن و دژخیم و کدامین فرشته و معصوم هستند؟ باید میزان درآمد هر مالك و مستاجر را با هم مقایسه کنیم و متجاوز را سر جای خود بنشانیم.

امروز گذشته از اینکه بهای سرقفلیها ۵ برابر و ده برابر قیمت املاك مورد اجاره کسی است - بیشتر مستاجرین افراد خوش نشین و سرمایه دار فرصت طلب هستند زیرا می بینند اوضاع و احوال بقدری بنفع مستاجر است که با وجود ترقی فاحش اغلب نرخها بدون هیچ دلیل و منطقی اجاره بهای رقبات را در میزان ۵ سال و ده سال پیش متوقف ساخته اند - حسن نیت پیش از اندازه اولیام امور نباید موجب سوءاستفاده افراد و طبقات واقع گردد - مگر درآمد مستاجرین در سنوات اخیر ترقی نکرده است؟ اجحاف بیمورد و بیش از حد بموجریں رکود قهری ایجاد ساختمان را در بر دارد.

لغو قانون مالك و مستاجر در مورد ساختمانهای جدیدالاحداث بتنهائی دردی دوا نمیکنند زیرا کسانی که اکنون با آتش قانون تثبیت اجاره بهای مصوب سال ۱۳۵۲ میسوزند میگویند از کجا معلوم است فردا با يك ماده واحده یا تبصره - این عنوان هم لغو نشود؟ و ساختمانهای جدیدالاحداث هم بساختمانهای پیشین ملحق نگردد؟

با مسائل اجتماعی نباید بصورت تفنن و افراط و تفریط بازی کرد - و بین طبقات اجتماع که متأسفانه خود دارای شعور کافی برای موازنه عادلانه و اخلاقی نیستند نباید ایجاد اختلاف کرد و سرود تعدی و تجاوز نباید بمستان یاد داد - این است معنی امنیت قضائی.

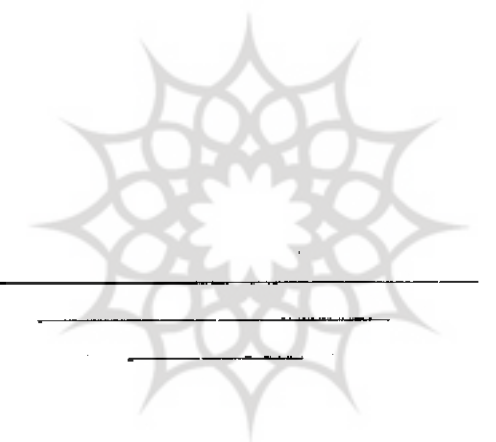


در اینجا بمناسبت مقال مثال دیگری راجع بعنوان مقاله میزنم و در آن مورد هم از عواقب افراط و تفریط یاد میکنم.

تاکنون اگر عابر یا راننده ای مصدومی را به بیمارستانی می رسانید خود او شدیداً درگیر بازجوئی بود و چه بسا بدون هیچ دلیلی او را رها نمی کردند تا کار بجائی رسید که مردم بی اعتناء از کنار مصدومین رد میشدند و خود را بیجهت دچار مخمصه و کشمکش نمی کردند تا مصدوم بدون فریادرسی جان بجان آفسرین تسلیم میکرد.

اکنون میخواهند قانونی برای مجازات چنین افرادی تصویب کنند که ترك
وظیفه اخلاقی بمنزله ترك وظیفه قانونی تلقی شود و در حاشیه این تصمیم آنقدر
شعار میدهند و افراط میکنند میترسم درآینده اگر قاتلی مقتول خود را ببیمارستان
یا نزد سایر مقامات مربوطه ببرد بدون هیچ رسیدگی جایزه‌ای هم باو بدهند - و
معلوم است که این رویه چه عاقبت وخیم و خطرناکی را برای امنیت اجتماع دربر
دارد.

غرض این است که اداره کردن اجتماع و طرح مسائل اجتماعی منطقی و درایت
و عدالت و دوراندیشی و موازنه و احتیاط میخواهد این گفتارها و شعارها که در
حاشیه قوای مقننه و مجریه اعلام میشود و این نمایشهای عامیانه تحریک‌آمیز
مربوط بقرون سالمه اعضاء قوای حاکمه را نیز گیج و سرگردان میکند و از انجام
وظیفه باز میدارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی